

دوفصلنامه مطالعات اعتبارسنجی حدیث
سال سوم، شماره یکم (پیاپی ۴)
بهار و تابستان ۱۴۰۴ ص ۱۸۵ - ۲۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳
مقاله علمی پژوهشی

بررسی هویت و وثاقت طلحه بن زید با تاکید بر توثیقات عام

محمد رضا خجسته رحیمی^۱

چکیده

طلحه بن زید نه‌دی، از محدثان قرن دوم هجری، جایگاه ویژه‌ای در انتقال میراث روایی امامیه دارد. با اینکه عامّه در ارزیابی روایات وی رویکردی سخت‌گیرانه اتخاذ کرده و او را متروک یا ضعیف شمرده‌اند، منابع امامیه توثیق صریح یا تضعیفی برای وی ارائه نکرده‌اند؛ با این حال نقل گسترده روایات او در منابع معتبر امامیه، همراه با اشاره‌هایی چون «اختلاف در روایاتش» از نجاشی و «کتابه معتمد» از شیخ طوسی، حاکی از پذیرش عمومی روایات او در میان اصحاب حدیث است. مقاله حاضر با تحلیل گزارش‌های رجالی فریقین و تبیین جایگاه او نزد اصحاب حدیث، به ارزیابی وثاقت طلحه بن زید و نسبت آن با توثیقات عام در سنت رجالی امامیه می‌پردازد؛ همچنین با بررسی اختلاف دیدگاه‌ها درباره مذهب او (اعم از عامی، امامی یا بتری) و تحلیل شبهات طبقه‌شناسی، تلاش می‌شود تصویری روشن‌تر از هویت و اعتبار این راوی ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: طلحه بن زید، بتریه، زیدیه، توثیقات عام.

۱. پژوهشگر سطح سه مؤسسه تخصصی فقه و اصول دارالفقه، حوزه علمیه خراسان (Khojasteh161611059@)

۱. درآمد

یکی از چهره‌های قابل تأمل در جریان فکری بتریه، طلحه بن زید است. او نه تنها به عنوان راوی در منظومه حدیثی فریقین حضور دارد؛ بلکه به سبب انتساب به بتریه، بررسی وثاقت او اهمیتی دوچندان می‌یابد.

ضرورت این پژوهش آن‌گاه آشکار می‌شود که بدانیم طلحه بن زید با وجود آن‌که توسط نجاشی، عامی خطاب شده است، از یک سواز ناحیه عامّه به تضعیف و ترک در حدیث متهم شده و از سوی دیگر از ناحیه امامیه کتاب و حدیثش مورد اعتماد تلقی شده و برخی از صاحب نظران، قواعد توثیقات عام را بر وی تطبیق کرده‌اند؛ بنابراین شناخت شخصیت طلحه بن زید پرسش اصلی این تحقیق است که از این رهگذر کشف اعتبار یا نامعتبر انگاشتن گزارش‌های او را در پی دارد.

طلحه بن زید به دلیل حضور در طریق گزارش احادیث فراوان فقهی، در آثار مرتبط با فقه استدلالی بسیار مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؛ اما اثر پژوهشی مستقل در قالب مقاله، پایان‌نامه یا کتاب که به بررسی اعتبار روایات و شخصیت طلحه بن زید اختصاص یافته باشد به دست نیامد. در این پژوهش تلاش می‌شود با توجه به شخصیت و ویژگی‌های این راوی، اتهام ضعف و اعتبار گزارش‌های او مورد بررسی قرار گیرد.

۲. شخصیت‌شناسی طلحه بن زید

تحلیل وثاقت راویان در منابع فریقین مستلزم شناخت همه جانبه از ابعاد هویتی ایشان است. بررسی خاندان، طبقه روایی و گرایش مذهبی طلحه بن زید به عنوان سه مؤلفه بنیادین در شکل‌گیری هویت حدیثی وی، زمینه‌ساز ارزیابی دقیق‌تر جایگاه او در منظومه روایی فریقین خواهد بود.

۱.۲. خاندان راوی

در منابع و فهرست‌های رجال، طلحه بن زید با اوصاف مختلفی یاد شده است.

عاصمه او را با عنوان طلحه بن زید الرقی می‌شناسند.^۱ امامیه از او با عنوان طلحه بن زید التَّهْدی الشامی و طلحه بن زید القرشی یاد کردند.^۲ با توجه به داده‌های رجالی، بوم زندگی او را می‌توان شهر رقه در شام قلمداد کرد. نهدی، جماعتی هستند که نسبت آن‌ها به قبیله بنی نهد بن زید^۳ می‌رسد.

۲.۲. طبقه راوی

منظور از طبقه، گروهی از راویان است که علاوه بر هم‌سئی، در یک دوره زمانی زیسته و از مشایخ مشترک بهره‌مند شده‌اند؛^۴ به عبارتی دقیق‌تر شناخت تقریبی عصر فعالیت‌های حدیثی راوی در دو دوره تحمّل (زمان علم‌آموزی و اخذ حدیث) و اداء (آموزش اندوخته‌ها به نسل‌های پسین) را طبقه تعریف کرده‌اند.^۵

نجاشی طلحه بن زید را از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌داند؛^۶ اما بر اساس گزارش برقی^۷ و شیخ طوسی^۸، وی در طبقه امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام قرار دارد؛ البته در منابع حدیثی فریقین جزیک گزارش، طلحه بن زید حدیثی از امام باقر علیه السلام ندارد.^۹ این حدیث با متن و سندی یکسان در استبصار از امام صادق علیه السلام نقل شده که احتمالاً واژه «أبی» در روایت تصحیف می‌باشد.^{۱۰} بررسی بازه زندگی شاگردان طلحه بن زید از جمله محمد بن سنان (م ۲۲۰ ق) و احتمال تخمینی وفات طلحه

۱. ذهبی، میزان الإعتدال، ج ۳، ص ۴۶۳.

۲. نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۰۷.

۳. نهد بن زید بن لیث بن سود بن اسلم بن الحاف بن قضاة

۴. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۸۱.

۵. لطفی پور، راهکارهای نوین در شناخت طبقه راویان، ص ۳.

۶. نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه، ص ۲۰۷.

۷. برقی، الطبقات، ص ۱۳۸ و ۲۲۸.

۸. شیخ طوسی، رجال، ص ۱۳۸ و ۲۲۸.

۹. همو، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۴۶.

۱۰. همو، استبصار، ج ۱، ص ۴۳۷.

بن زید (م ۱۸۵ ق)، این نکته را نشان می‌دهد که برقی دچار اشتباه در گزارش شده و احتمالاً شیخ طوسی به جهت تأثیرپذیری از رجال برقی، او نیز دچار این اشتباه شده است.^۱

طلحه بن زید، بیش‌ترین روایات را از امام صادق علیه السلام (م ۱۸۳ ق) نقل کرده و اندکی را از فضیل بن عثمان أعور (م ۱۷۰ ق) و سورة بن کلیب اسدی (م ۱۵۰ ق) و برخی دیگر گزارش می‌کند.^۲

همچنین بیش‌تر روایات او از طریق محمد بن یحیی الخزاز (م ۲۲۰ ق) و محمد بن سنان الزاهری (م ۲۲۰ ق) در اختیار محدثان قرار گرفته است؛ البته برخی از آن‌ها را نیز عبدالله بن مغیره البجلی (م ۲۰۵ ق)، ابراهیم بن مهزم الأسدی، منصور بن یونس (م ۱۹۵ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (م ۲۷۵ ق)، ابی محمد قاسم بن اسماعیل القرشی و برخی دیگر از او روایت کرده‌اند.^۳

گفتنی است که در منابع حدیثی عامّه او روایات را از راشد بن ابی راشد، اعمش، اوزاعی، احمد بن محمد بن ماهان بن ابی حنیفه و برخی دیگر گزارش می‌کند و بیشتر روایات او از طریق عبدالله بن عثمان، عبیدالله بن عمرو الاسدی، علاء بن هلال و برخی دیگر گزارش شده است.^۴

برخی از پژوهشگران با استدلال به این‌که فاصله زندگی محمد بن سنان با طلحه بن زید بسیار دور بوده است، احتمال استاد و شاگردی طلحه بن زید و محمد بن سنان را نفی کرده و افتادگی مفضل بن عمر را نتیجه گرفته‌اند؛ همچنین کوتاه‌بودن طریق صدوق به طلحه بن زید را نشانه‌ای برای این حذف عمدی گرفته‌اند.^۵

۱. برای ارتباط رجال شیخ طوسی و رجال برقی رک: شبیری زنجانی، ارتباط رجال شیخ و رجال برقی، سرتاسر.

۲. برگرفته از نرم‌افزار درایة النور ۲ است.

۳. اسامی مشایخ و شاگردان با استناد به نرم‌افزار درایة النور ۳ به‌دست آمد.

۴. اسامی مشایخ و شاگردان با استناد به نرم‌افزار کتاب‌خانه جامع شیعه و عامّه ۲ به‌دست آمد.

۵. ابطحی فروشانی، محمد بن سنان و نقش او در انتقال حدیث زیدیه به امامیه، ص ۱۲؛ فرجامی، زیدیه و

این گزاره، ادّعایی بی دلیل است و شاهی متقن برای آن وجود ندارد؛ همچنین احتمال افتادگی مفضل بن عمر باتوجه به حدیثی در کتاب طب الائمه علیهم السلام،^۱ احتمالی واضح و شفاف نمی باشد و بررسی های مختلف نشان می دهد جز همین یک روایت کتاب طب الائمه علیهم السلام، در هیچ یک از منابع معتبر و اصیل فریقین، مفضل بن عمر راوی از طلحه بن زید نمی باشد.

به باور برخی از پژوهشگران طب الائمه علیهم السلام دارای اشکالات متعدّد درون متنی است. کثرت نقل از غلات و متّهمین به غلو، فراوانی روایت از مجاهیل، تحریفات و آشفتگی های فراوان در اسانید، نمونه اشکالاتی است که مخاطب با آن ها مواجه می شود. ریشه این اشکالات را نبود نسخه ای خوب و صحیح می توان جست و جو کرد؛^۲ همچنین به نظر می رسد مشیخه صدوق در من لا یحضره الفقیه تشریفات و صوری است. مؤید این احتمال، راویانی هستند که شیخ صدوق به آن ها در مشیخه طریق ذکر می کند؛ اما در متن کتاب روایتی از آن ها بیان نکرده است.^۳ اگر وفات طلحه بن زید حدود (۱۸۵ ق) تخمین زده شود؛^۴ باتوجه به تاریخ فوت محمّد بن سنان (۲۲۰ ق)، روایت محمّد بن سنان از طلحه بن زید اصلاً دور و غریب نمی باشد.

۳.۲. مذهب راوی

نجاشی، طلحه بن زید را عامی و شیخ طوسی او را از بتریه می داند. ممکن است توهم شود که این دو سخن با یکدیگر ناسازگاری دارد. استاد سید محمد جواد شبیری زنجان می گوید: «عاقه دو اصطلاح دارد: عاقه به معنای عام، یعنی کسانی

حدیث امامیه، ص ۳۱۴.

۱. ابنا بسطام، طب الائمه علیهم السلام، ص ۵۶.

۲. رک: اکبری و رحمان ستایش، سندسازی های کتاب «طب الائمه علیهم السلام» منسوب به فرزندان بسطام، سرتاسر.

۳. برای اطلاع بیشتر رک سایت کاتبان یادداشت ملکیان با عنوان «کتاب من لا یحضره الفقیه، کتابی چند ویرایشی».

۴. رک ترجمه طلحه بن زید در سایت ثقات (Thiqat.org)

که خلافت خلفای نخستین را مشروع می‌دانند. طبیعتاً در این اصطلاح، بتریه جزء عامّه است؛ اصطلاح دوم عامّه به معنای خاصّه، کسانی هستند که هر سه خلیفه را مشروع بالذات می‌دانند. طبق اصطلاح دوم، بتریّه در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرد. کشتی که بتریه را در مقابل عامّه قرار داده، عامّه را به اصطلاح خاص معنا کرده است؛ ولی در رجال نجاشی و فهرست، عامی به معنای اعم است. در تعبیرات شیخ طوسی در تهذیبین، گاهی در یک مورد بتری و عامی تعبیر کرده است. عامی به معنای اعم با بتری، مصداق واحد دارد.^۱

۳. شخصیت حدیثی طلحه بن زید

منابع حدیثی عامّه به ندرت اخبار طلحه بن زید را گزارش کرده‌اند؛ البته ابن ماجه و ابن ابی دنیا، در کتاب‌های اخلاقی‌اش، از این قاعده استثنا هستند.^۲ طلحه بن زید در منابع زیدیه نیز آشنا و نام‌آور نیست. منابع حدیثی زیدیه تنها چند روایت از وی آورده‌اند^۳ و منابع رجالی زیدی تنها به نقل اقوال رجالیان عامّه درباره طلحه بسنده کرده‌اند^۴؛ گویی این تضعیفات را پذیرفته و او را از خود ندانسته‌اند؛ اما در منابع امامی، موضوع روایات طلحه بن زید بیشتر نکات اخلاقی، زهد، ثواب‌ها، آداب معاشرت، فضایل، منافع خوراکی‌ها و در مواردی فقه است. وظیفه عالم در برابر جاهل^۵ تأثیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. شبیری زنجانی، سید محمدجواد، درس خارج فقه کتاب الزکاة ۱۴۰۱/۰۹/۰۶؛ همچنین ر.ک: شبوط، دراسات فی مشیخة الفقیه، ص ۲۷۱.

۲. ابن ماجه، السنن، ج ۱، ص ۲۸۳؛ ابن ابی دنیا، الصمت وحفظ اللسان، ص ۲۷۰؛ همو، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۱؛ همو، کتاب الهم والحزن، ص ۱۰۰.

۳. شجری، الأمالی الكبرى (الخمیسية)، ج ۱، ص ۱۱۲ و ج ۲، ص ۱۳۳؛ علوی، الجامع الکافی، ج ۶، ص ۲۴۳؛ صوری، الفوائد الممنقة، ص ۷۱.

۴. قاسمی، الجداول الصغری، ج ۲، ص ۵۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱.

گناهان بر فساد قلب،^۱ فضیلت کوتاه کردن شارب و ناخن،^۲ فواید شیر مادر،^۳ احترام به نان،^۴ افطار کردن پیامبر با رطب و خرما،^۵ نخوابیدن در خانه بی در و بدون پرده،^۶ و این که پیامبر ﷺ نوشیدن در کاسه های شامی را دوست داشته است،^۷ مثال هایی از موضوعات روایات طلحه است.

به نظر می رسد این احادیث، که بیشترشان حاکی از آداب پسندیده نزد همه عقلا و بزرگان است، در قالب گفتار و کردار معصومان نقل شده تا در میان عموم مردم و به ویژه عرب ها که کمتر مبادی این آداب بوده اند، رواج یابد. احتمال ساختگی بودن برخی از این خبرها بیش تر است؛ مثلاً چرا پیامبر ﷺ باید به طور خاص ظروف ساخت شام را دوست داشته باشد؟ شاید پاسخ این باشد که طلحه خود از اهالی شام بوده و علاقه به زادگاهش را در قالب حدیثی چنین بیان کرده است.^۸

۴. ارزیابی وثاقت طلحه بن زید

روشن است که برای کشف اعتبار اخبار گزارش شده از سوی یک راوی لازم است مجموعه شواهد و قرائن در دسترس مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. یکی از مهم ترین این شواهد گزارش های رسیده در معرفی، توصیف، توثیق یا تضعیف آن شخص است. در بررسی ویژگی های یک راوی، بحث از توثیق یا تضعیف و میزان اعتبار روایات او از جمله مباحث مهم شمرده می شود. از این رهگذر آشنایی با نظرات

۱. همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۰.

۴. همان، ج ۶، ص ۳۰۳.

۵. همان، ج ۴، ص ۱۵۳.

۶. همان، ج ۶، ص ۵۳۳.

۷. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۷؛ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳۸۵. در اخبار دیگری از طلحه بن زید به بسیاری دیگری از دوست داشتنی های پیامبر اشاره شده است. ر.ک: برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۲.

۸. فرجانی، زیدیّه و حدیث امامیه، ص ۹۸.

اندیشمندان مرتبط با این حوزه در ادوار مختلف تاریخ راهگشا خواهد بود. در این بخش، ضمن گزارش دیدگاه‌های صاحب‌نظران، دلائل و مستندات ایشان بررسی خواهد شد.

۱.۴. ارزیابی وثاقت طلحه بن زید از منظر منابع رجالی

علی‌رغم فراوانی روایات طلحه بن زید در آثار حدیثی پیشینیان، توثیق یا تضعیفی از وی در منابع رجالی امامیه به چشم نمی‌خورد. برقی، طلحه بن زید را بدون آن‌که توثیق یا تضعیف کند در شمار اصحاب امام باقر و امام صادق علیه‌السلام آورده است.^۱ از آنجاکه کشتی به راویانی پرداخته است که درباره آن‌ها خبری در دست باشد؛ نسبت به طلحه بن زید هیچ سخنی نگفته است.

شیخ طوسی، در الرجال او را یک‌بار بتری و از اصحاب امام باقر علیه‌السلام معرفی می‌کند و در جایی دیگر با عنوان طلحه بن زید الجزری القرشی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام می‌داند.^۲ در فهرست، او را عامی و کتابش را مورد اعتماد اصحاب قلمداد کرده است.^۳ نجاشی طلحه بن زید با کنیه ابوالخزرج معرفی می‌کند و می‌گوید: «برخی او را خزری نامیده‌اند.» عبارت خزری احتمالاً تصحیف از جزری، منسوب به الجزیره منطقه‌ای در شمال عراق بین شام و کوفه است. مؤید این سخن کلام نجاشی است که طلحه بن زید را از قبیله بنی نهد و از راویان منسوب به شام می‌داند.

نجاشی برخلاف برقی و شیخ طوسی، طلحه بن زید را از راویان امام صادق علیه‌السلام می‌داند. توصیف او برای کتاب طلحه «یرویه جماعة یختلف بروایاتهم» است. در این‌که مراد نجاشی از این عبارت چه چیزی باشد، بین رجالیان اختلاف و محل بحث است. برخی این عبارت را بیانگر ضعف و آن را عبارت دیگری از اضطراب روایات و نسخ قلمداد می‌کنند و سخن نجاشی و شیخ طوسی را با یکدیگر ناسازگار

۱. برقی، الطبقات، ص ۵۴.

۲. شیخ طوسی، الرجال، ص ۱۳۸ و ص ۲۲۸.

۳. همو، الفهرست، ص ۱۴۹.

می‌دانند.^۱ استاد شبیری این عبارت را نه تنها همان تعبیر «کتابه معتمد» می‌داند؛ بلکه آن را ملازمه با وثاقت راوی ارزیابی می‌کند. به عقیده ایشان، مراد از گزارش نجاشی کثرت روایت اجلاء می‌باشد.^۲

عاقه بر خلاف امامیه، بدون آنکه سخنی از مذهب طلحه به میان آورند، او را با عبارات مختلفی مانند منکر الحديث،^۳ يضع الحديث،^۴ ضعیف الحديث،^۵ متروک الحديث،^۶ لایحلّ الإحتجاج بخبره،^۷ لایعجبنی حدیثه و لیس بثقة،^۸ ارزیابی کرده‌اند همچنین برخلاف نجاشی، کنیه او را ابومسکین، ابومحمد و ابوسلیمان گفته‌اند.^۹

۲.۴. ارزیابی وثاقت طلحه بن زید از منظر توثیقات عام

برای پذیرش اخباری که طلحه بن زید در طریق نقل آن‌ها قرار دارد ممکن است به دلائل مختلفی استناد کرد. برخی از این دلائل در شمار توثیقات عام قرار دارد که با فرض پذیرش این‌گونه از دلائل می‌شود طلحه بن زید را یکی از مصادیق آن دانست؛ بنابراین می‌توان وی را ثقه انگاشت یا اخبار او را پذیرفت.

۱. بهبودی، معرفة الحديث، ص ۲۴۴ و ۱۳۶ و ۲۴۱؛ عاملی، اوضح المقال، ص ۷۵.

۲. شبیری زنجانى، سيد محمدجواد، درس خارج فقه كتاب الزكاة ۱۴۰۱/۰۹/۰۶.

۳. بخاری، كتاب التاريخ الكبير، ج ۲، ص ۳۵۱؛ بخاری، كتاب الضعفاء الصغير، ص ۶۴؛ ابن ابی حاتم

رازی، الجرح و التعديل، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۸۰؛ ابن حبان، المجروحین من المحدثین، ج ۱، ص ۳۷۹.

۴. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۶۳؛ مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۳۹۵؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج

۴، ص ۸۶۸.

۵. ابن ابی حاتم رازی، الجرح و التعديل، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۸۰.

۶. نسائی، كتاب الضعفاء و المتروکین، ص ۱۴۳.

۷. ابن حبان، المجروحین من المحدثین، ج ۱، ص ۳۷۹.

۸. مزی، تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۳۹۷.

۹. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۱۵؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۶۳.

۱.۲.۴. حضور در اسناد کامل الزیارات

مستند این توثیق عام، مقدمه کامل الزیارات است؛ ابن قولویه در مقدمه کتاب می نویسد: «می دانیم که نمی توانیم به همه آنچه که از آن ها در این باره و غیر آن روایت شده است، احاطه داشته باشیم؛ اما آنچه که از طریق افراد مورد اعتماد (ثقات) از اصحابمان (رحمهم الله برحمته)، به ما رسیده است را نقل می کنم و در این باره حدیثی را از رجال شاذی که ناشناس در روایت و گمنام در حدیث بوده اند نقل نکرده ام.»^۱

درباره این مقدمه چند احتمال مطرح شده است:

الف) وثاقت تمام راویان موجود در سلسله اسانید این کتاب.

قائلان این قول، خود به چند دسته تقسیم می شوند:

۱. وثاقت تمامی راویان موجود در کتاب، خواه راویان موجود در اسنادی که به یکی از معصومان علیهم السلام منتهی شود یا نشود؛ خواه آن راوی امامی باشد یا نباشد.^۲
۲. وثاقت راویان اسنادی که فقط به معصومان علیهم السلام منتهی شوند؛ فرقی نمی کند که راوی امامی باشد یا نباشد.^۳

بر اساس این دیدگاه و دیدگاه قبل، طلحه بن زید به دلیل آنکه در شمار مشایخ با واسطه ابن قولویه قرار دارد،^۴ توثیق می شود.

۳. وثاقت راویان اسنادی که به معصومان علیهم السلام منتهی شوند؛ مشروط بر آن که این روایات مرفوع و مرسل نباشند و راویان آن غیر امامی نیز نباشند.^۵

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۴.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۰۲؛ حکیم، مصباح المنهاج (کتاب التجارة)، ج ۱، ص ۴۶۱-۴۶۲.

۳. نظر نخست آیت الله خویی. ر.ک: سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۹۰. همچنین ر.ک: خویی، شرح المناسک الحج (المعتمد فی شرح المناسک)، ج ۲۹، ص ۱۹۶.

۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۷۴.

۵. نظر دوم آیت الله خویی. ر.ک: سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۹۱.

۴. وثاقت راویان اسناد روایاتی که درباره ثواب زیارت پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام وارد شده است نه تمامی روایات کتاب.^۱

ب) وثاقت و شهرت مشایخ بدون واسطه ابن قولویه در این کتاب.^۲

آیت الله خویی در اواخر عمر، همین احتمال را پذیرفته است.^۳

ج) از بررسی مقدمه کامل الزیارات روشن می شود که ابن قولویه در صدد تعهد بر پرهیز از نقل اخبار راویان ضعیف نبوده است؛ بلکه هدف او گردآوری روایاتی است که ثقات آن را نقل کرده اند، هرچند در سلسله سند، راویان ضعیف نیز حضور داشته باشند. به بیان دیگر، مقصود ابن قولویه از این مقدمه آن نیست که وثاقت تمام راویان کتاب را اثبات کند یا مشایخ مستقیم و بی واسطه ی خود را توثیق نماید؛ بلکه وی در پی آن است که تنها روایاتی را نقل کند که ناقدان حدیث، صدور آن را از ثقات گزارش کرده باشند.^۴

این احتمال، یعنی اعتماد قدما بر روایت افراد ضعیف مشروط بر نقل از سوی ناقدان خبر، با شواهدی تقویت نیز شده است.^۵ مانند اعتماد شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) بر روایات محمد بن عبدالله مسمعی به دلیل عدم انکار ابن ولید (م ۳۴۳ ق) هنگام قرائت کتاب الرحمة بروی^۶ یا تصریح سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) در نقل

۱. نظر نخست آیت الله سیستانی در تعلیقه بر خاتمه مستدرک الوسائل. رک: سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۹۱.

۲. نوری، خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵۱؛ صدر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۶۴؛ شبیری زنجانی، استناد، ج ۱، ص ۳۷۶.

۳. خویی، معجم رجال الحدیث، مقدمه چاپ پنجم، ج ۱، ص ۲۳.

۴. نظر دوم و فعلى آیت الله سیستانی رک: سیستانی، قاعدة لاضرر ولاضرار، ص ۲۱ و ۲۲؛ سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۹۱ و ۹۹.

۵. سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۶. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۱.

روایت مطعونان به دلیل اعتماد ثقات اصحاب.^۱

از بررسی عملکرد قدما در اعتماد به منابع نگارش شده از سوی محدثان صاحب‌نام،^۲ به نظر می‌رسد منظور ابن قولویه در عبارت «آنچه که از طریق افراد مورد اعتماد (ثقات) از اصحابمان (رحمهم الله برحمته)، به ما رسیده است را نقل می‌کنم» وجود خبر در آثار مشایخی باشد که از اصحاب امامیه بوده‌اند و در شمار ثقات و افراد مورد اعتماد قرار دارند؛ بنابراین با گزارش این اخبار از این مشایخ و آثار ایشان، نظر مؤلف حاصل می‌شود و اطمینان نسبی به اخبار به دست خواهد آمد. ابن قولویه برای دستیابی به این هدف، از گزارش اخبار موجود در منابع افراد ناشناس در روایت و گمنام در حدیث از دیدگاه خود، پرهیز می‌کند.

۲.۲.۴. حضور در اسناد تفسیر علی بن ابراهیم قمی

مستند این توثیق عام، مقدمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی است. علی بن ابراهیم در مقدمه تفسیرش می‌نویسد: «ما ذکر می‌کنیم و خبر می‌دهیم آنچه را که به ما می‌رسد و مشایخ و افراد مورد اعتماد (ثقات) ما از کسانی که خداوند اطاعات از ایشان عليه السلام را برای ما واجب گردانیده است روایت کرده‌اند».^۳

برخی از اندیشمندان با استناد به مقدمه کتاب، آن را شهادت مؤلف به وثاقت همه روایان موجود در این تفسیر دانسته‌اند؛ بنابراین همان‌گونه که توثیق خاص علی بن ابراهیم قمی برای هر یک از روایان اعتبار دارد؛ توثیق عام وی نیز وثاقت همه آن‌ها را ثابت خواهد کرد.

اگر مقدمه تفسیر از علی بن ابراهیم باشد و وی همه روایان موجود در سلسله اسناد احادیث این کتاب را توثیق کرده باشد، باید پذیرفت که با استناد به این مقدمه، چند صد نفر از روایان توثیق شده‌اند که یکی از آن‌ها طلحه بن زید است.

۱. سید ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۹.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲-۳.

۳. قمی، تفسیر القمی، ص ۴.

شیخ حر عاملی^۱ و آیت الله خویی^۲ در دیدگاه دوم خود، طلحه بن زید را بر اساس این قاعده توثیق کرده‌اند.

این در حالی است که برخی از معاصران، این تفسیر را ترکیب دو تفسیر قمی و ابوالجارود می‌دانند که از سوی ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم، یکی از شاگردان علی بن ابراهیم قمی، صورت پذیرفته است؛^۳ بنابراین به درستی روشن نیست که مؤلف این مقدمه کیست؛ حتی اگر متن این مقدمه برگرفته از تفسیر علی بن ابراهیم باشد، فقط رجال موجود در همان بخش از تفسیر، شایسته بحث درباره این توثیق خواهند بود.

برخی با جداسازی روایات این دو تفسیر، روایان تفسیر علی بن ابراهیم را ۲۸۷ نفر گزارش کرده‌اند و توثیق آن‌ها را به شرط آن که روایت متصل به معصوم و راوی امامی باشد، پذیرفته‌اند؛ بنابراین روایات موجود در تفسیر ابی‌الجارود، یعنی ۴۳۸ نفر را مشمول این مقدمه ندانسته و توثیق نکرده‌اند.^۴

استاد سید محمد جواد شبیری در پاسخ به این توثیق عام، هدف اصلی مؤلف را اثبات حجّیت کلام ائمه علیهم‌السلام برای تبیین آیات قرآن و ضرورت رجوع به ایشان و پرهیز از رجوع به غیر ایشان دانسته‌اند؛ البته این هدف با توثیق همه روایان موجود در اسناد کتاب ملازمه ندارد؛ بلکه با توثیق اجمالی روایان کتاب سازگار است. افزون بر این، روشن است که اسناد احادیث موجود در کتاب، دربردارنده روایان فراوانی است که در ضعف آنان تردیدی نیست؛ همچنین روایات مرسل بسیاری در این کتاب دیده می‌شود که به دلیل نامشخص بودن روایان آن‌ها، امکان ندارد مؤلف

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۰۲.

۲. خویی، المستند فی شرح العروة الوثقی، ج ۴، ص ۱۱۳؛ نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۱.

۳. تهرانی، الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۲-۳۰۹.

۴. داوری، اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۲۷۳.

مدّعی وثاقت آن راویان مجهول نیز باشد.^۱

از سوی دیگر، برخی مؤلف این تفسیر را علی بن حاتم قزوینی دانسته^۲ و براین اساس، ابوالفضل یادشده را راوی تفسیر علی بن ابراهیم می‌دانند.^۳ با توجه به احتمالات مختلف دربارهٔ هویت نویسندهٔ مقدمه و منظوری از مشایخ و افراد مورد اعتماد (ثقات)، آن‌گونه که در بحث کامل الزیارات گذشت نمی‌توان حضور یکی از راویان در زنجیرهٔ اسناد احادیث موجود در این تفسیر را دلیل بر وثاقت راوی یا اعتبار گزارش‌های وی دانست.

۳.۲.۴. حضور در اسناد کتاب الکافی

مستند این توثیق عام، مقدمهٔ محمد بن یعقوب کلینی بر الکافی است. برخی با استناد به این مقدمه احتمال داده‌اند، کلینی شهادت داده است که هر آنچه در این کتاب روایت می‌کند، اخبار صحیح است؛ بنابراین باید راویان آن نیز همگی افرادی ثقة باشند و این به معنای توثیق همهٔ راویان موجود در اسناد کتاب الکافی، از جمله طلحه بن زید است.^۴

در پاسخ به این استناد باید گفت که صحیح در نزد قدما به معنای صحیح در نزد متأخران نیست. متأخران به خبری صحیح گفته‌اند که راویان آن امامی، ثقة و عادل باشند؛^۵ اما به گفتهٔ صاحب معالم، صحیح در نزد قدما معنای استواری (ثبوت) و درستی (صدق) است؛^۶ بنابراین بر فرض آن که سخن کلینی را شهادت بر

۱. شبیری زنجانی، استناد، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲. شبیری زنجانی، استناد، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹؛ شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۵، ص ۱۷۵؛ مددی، نگاهی به دریا، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. مددی، نگاهی به دریا، ج ۱، ص ۳۴۷.

۴. نمازی، مستدرکات علم الرجال الحديث، ج ۱، ص ۴۶-۵۴.

۵. علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۱، ص ۹؛ ابن داوود حلی، الرجال، ص ۵۵۷.

۶. عاملی، حسن بن زین الدین، منتقى الجمان، ج ۱، ص ۱۵.

صحت همه روایات موجود در کتابش در نظر آوریم، این شهادت به معنای وثاقت همه راویان موجود در سلسله اسناد کتاب نیست و ملازم‌های میان صحیح قدمایی با وثاقت راویان وجود ندارد.

۴.۲.۴. حضور در اسناد کتاب من لایحضره الفقیه

برخی از رجالیان معاصر، از قول شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه نیز توثیق عام برداشت کرده‌اند و تمام راویان موجود در من لایحضره الفقیه را از جمله طلحه بن زید را توثیق کرده‌اند.^۱ شیخ صدوق در این مقدمه می‌گوید: «من در این کتاب قصد گردآوری همه آنچه را که مؤلفان روایت کرده‌اند ندارم؛ بلکه هدفم ارائه آن چیزی است که به آن فتوا می‌دهم و حکم به درستی (صحت) آن می‌کنم و باور دارم که حجت میان من و پروردگارم است. همه مطالب این کتاب از کتاب‌های مشهور استخراج شده است که به آن‌ها اعتماد شده و به آن‌ها ارجاع داده می‌شود.»^۲ پاسخ به این مستند نیز پیش‌تر گذشت که صحیح در نزد قدما در معنایی دیگر از آنچه نزد متأخران بوده، به کار رفته است.

۵.۲.۴. خروج از استثناءات ابن ولید از رجال نوادر الحکمه

برخی بر این باورند که باید همه راویان موجود در اسناد کتاب نوادر الحکمه اثر محمد بن احمد بن یحیی اشعری، جز موارد استثنا شده از سوی ابن ولید، را ثقه دانست.^۳ این فهرست، اسامی چند صد راوی را در برمی‌گیرد که یکی از آن‌ها طلحه بن زید است.^۴

۱. نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۳.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲-۳.

۳. وحید بهبهانی، الفوائد الرجالیه، صص ۵۳-۵۴؛ اعرجی کاظمی، عدة الرجال، ج ۱، ص ۱۴۶؛ حائری مازندرانی، منتهی المقال، ج ۱، ص ۹۴.

۴. داوری، اصول علم الرجال، ج ۱، ص ۲۲۵. (شمار این افراد با احتساب موارد تکراری را ۶۴۶ نفر گزارش کرده‌اند. رک: داوری، اصول علم الرجال، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۵۱).

۶.۲.۴. فراوانی نقل بزرگان از راوی

از بررسی عبارات اندیشمندان در این باره که از آن به «اکثار الأجلاء» یاد می‌شود، می‌توان به سه تقریر دست یافت:

تقریر اول: اگر یک راوی ثقه و جلیل‌القدر از راوی دیگری که هیچ توثیق و تضعیفی در منابع رجال و فهرست درباره‌ی وی در دست نیست به فراوانی روایت کند، این نشان می‌دهد آن راوی جلیل‌القدر، استاد خود را ثقه و قابل اعتماد میدانسته است؛ براین اساس منظور از «ثقة جلیل‌القدر» کسی است که رجال‌شناسان افزون بر توثیق، از او با تعبیری که نشانگر بزرگی منزلت و جلالت قدرش باشد یاد کرده‌اند. گذشته از آن که متهم به روایت از مشایخ ضعیف نباشد.^۱

تقریر دوم: اگر گروهی از راویان جلیل‌القدر، از فردی که توثیق یا تضعیفی از او در منابع رجالی دیده نمی‌شود، روایت کرده باشند، این نشان می‌دهد که آن راویان جلیل‌القدر، استاد خویش را ثقه و قابل اعتماد میدانسته‌اند؛ بنابراین نباید این اعتماد را برآمده از اشتباه گروهی از محدثان بزرگ قلمداد کرد.^۲

تقریر سوم: اگر یکی از مؤلفان برجسته و مورد اعتماد شیعه، همچون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید یا شیخ طوسی، حجم قابل توجهی از روایات را از یک راوی نقل کرده باشد، این امر دلالت بر اعتماد آن مؤلف به آن راوی یا به طریق روایت دارد. در چنین حالتی، تفاوتی نمی‌کند که آن راوی از مشایخ مستقیم مؤلف باشد یا با واسطه در سلسله سند قرار گرفته باشد.^۳

به نظر می‌رسد تفاوت تقریر نخست با تقریر سوم آن است که در تقریر نخست نقل شفاهی و در تقریر سوم نقل مکتوب اخبار مورد توجه قرار گرفته است.

۱. حسینی شیرازی، ابراهیم بن هاشم، ص ۲۱۴-۲۱۸.

۲. استرآبادی، منهج المقال، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳. عاملی، منتقى الجمان، ج ۱، ص ۳۹.

۴. بروجردی، نه‌ایة التقریر، ج ۳، ص ۲۳۲.

برخی از معاصران با استناد به اکثر روایت اجلاء از طلحه بن زید، وی را توثیق می‌کند. وی نقل محمد بن یحیی الخثعمی، عبدالله بن المغیره و محمد بن یونس را دلیل بروثوق نفسی وی می‌داند؛ همچنین مراد از گزارش نجاشی (یختلف بروایاتهم) را ایشان تعبیر دیگری برای کثرت روایت اجلاء از طلحه بن زید می‌داند.^۱

در مقابل، برخی دیگر دلالت فراوانی روایت اجلاء بر وثاقت یک راوی را نپذیرفته‌اند؛ زیرا چه بسا بزرگان با استناد به روش‌های دیگر همچون دسترسی به شواهد بر درستی خبر یا نقل از آثار مشهور و معروف احادیث را صحیح انگاشته باشند.^۲ یکی از پژوهشگران با توجه به ابهامات موجود در اکثر، از قبیل بی‌توجهی به نقش استقلالی و طریقی راویان، تعامل متفاوت پیشینیان با روایات راویان ضعیف، امکان وجود دلیلی دیگر برای اکثر روایت، توجه به منفرد بودن یا نبودن روایات راوی ضعیف و وجود موارد نقض فراوان، به کلی آن را مردود شمرده است.^۳

۷.۲.۴. قرارگرفتن در شمار مشایخ احمد اشعری

احمد بن محمد بن عیسی اشعری در نقل حدیث سخت‌گیری‌هایی را اعمال می‌کرد. وی با تعدادی از راویان معاصرش همچون سهل بن زیاد، محمد بن علی أبوسمینه و احمد بن محمد بن خالد برقی برخورد و آن‌ها را از شهر قم تبعید کرد. شاید بشود از برخی عبارات^۴ چنین برداشت کرد که احمد اشعری فقط از افراد ثقه روایت کرده است؛ بنابراین باید تمامی مشایخ او را ثقه دانست. براین اساس باوجود گزارش‌هایی از نقل احمد بن محمد از طلحه بن زید،^۵ وی را نیز باید در شمار راویان ثقه آورد.

۱. شبیری زنجانی، سید محمدجواد، درس خارج فقه کتاب الزکاة ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

۲. داوری، اصول علم الرجال، ج ۲، ص ۳۱۰.

۳. حسینی شیرازی، ابراهیم بن هاشم، ص ۲۲۰-۲۳۳.

۴. نوری، خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۷۵-۳۷۶.

۵. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۵۳.

در نقد این نظر می‌توان گفت که دلیل اخراج این افراد از قم فقط نقل از راوی ضعیف نبود؛ بلکه فراوانی نقل از ضعفا یا انتشار افکار غلوآمیز علت اصلی اخراج بوده است؛^۱ بنابراین نقل موردی از یک راوی ضعیف را نمی‌توان ناسازگار با مبانی احمد اشعری دانست.

از سوی دیگر، این قاعده با نقل اشعری از افراد ضعیف انگاشته شده نقض می‌شود؛ برای نمونه می‌توان به نقل وی از قاسم بن یحیی،^۲ محمد بن فضیل صیرفی،^۳ حسن بن عباس بن حریش^۴ و اسماعیل بن سهل دهقان^۵ اشاره کرد.

۸. ۲. ۴. سکوت نجاشی از تضعیف راوی

به باور میرداماد، نجاشی بر این شیوه پایبند است که اگر برای یک راوی ضعیفی وجود داشته باشد آن را گزارش کند؛ بنابراین سکوت نجاشی از بیان چنین مطالبی را باید نشانه سلامت آن راوی از هرگونه ضعفی دانست.^۶ پذیرش این مبنا به معنای اثبات وثاقت چنین روایانی است؛ بنابراین سکوت نجاشی در گزارش شرح حال طلحه بن زید و بسنده کردن به اختلاف نسخ کتاب او در بین امامیه بر این نکته تأکید دارد.^۷

در پاسخ با استناد به مقدمه کتاب نجاشی، می‌توان گفت که وی کتابش را باهدف گردآوری فهرست پدیدآورندگان امامی مذهب یا نویسندگانی که احادیث

۱. سیستانی، قبسات من علم الرجال، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۷، ۶۵۷.

۳. همان، ج ۴، ص ۳۳۳، ج ۵، ص ۱۳۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۴۸.

۵. همان، ج ۲، ص ۵۵، ۴۲۷.

۶. میرداماد، الرواشح السماویة، ص ۱۱۵.

۷. نجاشی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه، ص ۳۸.

کتابشان را از امامیه گرفته‌اند، به نگارش درآورده است؛^۱ به همین خاطر وی از آن با عنوان «فهرس أسماء مصتفی الشیعة» یاد می‌کند؛^۲ در این صورت کتاب نجاشی را باید دربردارنده فهرست آثار حدیثی و غیر حدیثی در نظر آورد. این نشان می‌دهد که کتاب، اختصاص به پدیدآورندگان محدث ندارد تا وی خود را متعهد به گزارش وثاقت، مدح یا ضعف مؤلفان بداند.

افزون بر آن، سکوت نجاشی در گزارش مدح یا ذم و مانند آن در باره پدیدآورندگان محدث را می‌توان برآمده از عوامل مختلفی دانست که یکی از آن‌ها دست نیافتن به اطلاعات مورد نیاز در این باره در منابع و از مشایخ است.

۹.۲.۴. حضور در اسناد کتاب بشاره المصطفی

برخی با استناد به مقدمه کتاب البشارة المصطفی لشیعة المرتضی (عجله الله تعالی فرجه) همه رجال موجود در سند احادیث این کتاب را ثقه می‌دانند.^۳ طبری (م ۵۵۳ ق) در مقدمه کتابش می‌گوید: «در این کتاب جز اخبار مسند را از مشایخ بزرگ و برگزیدگان مورد اعتماد (ثقات) گزارش نمی‌کنم»؛^۴ بنابراین مقدمه، همه راویان که طلحه بن زید نیز یکی از آن‌ها است توثیق خواهند شد.

به این قاعده، به دلیل احتمال حدسی بودن توثیق متأخران، اشکال شده است. برخی از پژوهشگران با توجه به عصر زیست طبری و شاگردی وی نزد پسر شیخ طوسی، احتمال حسی بودن توثیق طبری را دور از ذهن نمی‌دانند؛ اما به دلیل وجود راویان عامی در میان رجال اسناد موجود در این کتاب، فقط وثاقت مشایخ بدون واسطه مؤلف را پذیرفته‌اند.^۵ در این صورت توثیق مؤلف، شامل طلحه بن زید نخواهد شد.

۱. همان، ص ۳.

۲. همان، ص ۲۱۱.

۳. نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۱، ص ۶۳.

۴. طبری، بشاره المصطفی لشیعة المرتضی (عجله الله تعالی فرجه)، ص ۱۸.

۵. داوری، اصول علم الرجال، ج ۲، ص ۳۳۶-۳۳۹.

افزون بر پاسخ بالا، می‌توان احتمال داد که منظور طبری از «المشایخ الکبار و الثقات الأخیار» در این مقدمه، پدیدآورندگان منابع کتابش یا راویان بدون واسطه از امام در اسناد احادیث باشد؛ در این صورت نیز همان نتیجه به دست خواهد آمد.

۱۰.۲.۴. قرار گرفتن در شمار مشایخ اصحاب اجماع

این قاعده به استناد سخن مرحوم کشی است که درباره سه گروه شش نفره از راویان اهل بیت علیهم‌السلام گفته است:

یک. «اجْتَمَعَتِ الْعَصَابَةُ عَلَى تَصْدِيقِ هَؤُلَاءِ الْأَوَّلِينَ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام.... زُرَّارَةُ وَمَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُودَ وَ بُرَيْدٌ وَ أَبُو بَصِيرٍ الْأَسَدِيُّ وَ الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ الطَّائِفِيُّ، قَالُوا وَ أَفْقَهُ السَّيِّئَةُ زُرَّارَةُ، وَ قَالَ بَعْضُهُمْ مَكَانَ أَبِي بَصِيرٍ الْأَسَدِيِّ أَبُو بَصِيرٍ الْمُرَادِيُّ وَ هُوَ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ»^۱

دو. «اجْتَمَعَتِ الْعَصَابَةُ عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ مِنْ هَؤُلَاءِ وَ تَصْدِيقِهِمْ لِمَا يَقُولُونَ..... جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ، وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُسْكَانٍ، وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ بُكَيْرٍ، وَ حَمَّادُ بْنُ عِيسَى، وَ حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ، وَ أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، قَالُوا وَ زَعَمَ أَبُو إِسْحَاقَ الْفَقِيهُ يَعْنِي ثَعْلَبَةَ بْنَ مِيمُونٍ: أَنَّ أَفْقَهُ هَؤُلَاءِ جَمِيلُ بْنُ دَرَّاجٍ وَ هُمْ أَحَدُثُ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام»^۲

سه. «اجْتَمَعَ أَصْحَابُنَا عَلَى تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ عَنْ هَؤُلَاءِ وَ تَصْدِيقِهِمْ.... يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى بِياع السَّابِرِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ الْمَغِيرَةِ وَ الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: مَكَانَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ وَ فَضَالَةُ بْنُ أَيُّوبٍ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: مَكَانَ ابْنِ فَضَّالٍ: عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى وَ أَفْقَهُ هَؤُلَاءِ يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ وَ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى»

کشی از سه دسته شش نفره از اصحاب ائمه علیهم‌السلام به عنوان کسانی نام می‌برد که علمای شیعه آنان را فقیه و صادق دانسته‌اند. در مورد دسته دوم و سوم او تعبیر خاص «تَصْحِيحِ مَا يَصِحُّ» به کار برده است. درباره این تعبیر چند احتمال مطرح

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۳۸.

۲. همان، ص ۳۷۵.

شده است:

قول اول: توثیق خود اصحاب اجماع؛ این قول، عبارت کثی را تنها بیانگر عظمت و بزرگی مقام خود این راویان می داند و قدر متیقن اقوال است و بر آن ادعای اجماع شده است.^۱

قول دوم: توثیق خود اصحاب اجماع و مشایخ آن‌ها؛ مقصود قائلان این دیدگاه، صحت روایات اصحاب اجماع به دلیل وثاقت این افراد و وثاقت تمامی مشایخ آن‌ها است. عبارت کثی به دلالت مطابقی صحت روایات آن‌ها و به دلالت التزامی وثاقت اساتید آن‌ها را می فهماند و نمی تواند مقصود صحت حدیث از طریق قرائن خارجی باشد.^۲ این قاعده بر اساس همین دیدگاه از توثیقات عامه شمرده شده است. در نقد این قول می توان گفت: صحت روایت، اعم از توثیق راویان آن است و به دیگر سخن، صحت قدمایی ملازمه ای با وثاقت راوی ندارد.

قول سوم: تصدیق مرویات آن‌ها؛^۳ مقصود اطمینان به صدور حدیث این افراد بر اساس قرائن داخلی و خارجی بدون نیاز به توثیق مشایخ آن‌ها است؛ یعنی سند حدیث تا اصحاب اجماع به ارزیابی نیاز دارد؛ ولی بعد از اصحاب اجماع تا معصوم علیه السلام بررسی سند لازم نیست؛ گرچه حدیث مرسل یا راوی مجهول یا ضعیف

۱. فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۲۷؛ وحید بهبهانی، الفوائد الرجالیه، ص ۲۹؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۲؛ سیستانی، سیدعلی، قاعده لا ضرر، ص ۱۹؛ سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۱۹۱.

۲. شیخ بهایی، مشرق الشمسین، ص ۳۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲؛ نوری، خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۷.

۳. حائری مازندرانی، منتهی المقال، ج ۱، ص ۵۰؛ وحید بهبهانی، الفوائد الرجالیه، ص ۲۹؛ میرداماد، الرواشح السماویه، ص ۸۰؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۴، ص ۲۹ و ۳۵؛ اعرجی کاظمی، عدة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۹؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۱۳؛ مامقانی، مقباس الهدایه، ج ۲، ص ۱۹۵؛ بروجردی، نهایة التقریر، ج ۲، ص ۵۰۵؛ خامنه ای، غناء و موسیقی، ص ۱۸۴ و ۳۸۹.

باشد.^۱ این دیدگاه باتوجه به تأکید مرحوم کشتی روی فقاہت و حدیث شناسی آنان، به ظاهر عبارت وی نزدیک تر می باشد؛ در نتیجه خبر آن ها درست، قابل پذیرش و معتبر است مگر خلافش ثابت گردد.

علامه مجلسی نوعاً روایات طلحه بن زید را «ضعیف کالموثق» دانسته است.^۲ این تعبیر و تعابیر مشابه آن مانند «حسن کالضعیف»، «ضعیف کالصحیح»، «حسن کالموثق» و «موثق کالحسن» در کلمات علامه مجلسی و پدر ایشان بسیار وارد شده است. حرف (کاف) که در این تعابیر به کار رفته، وصفی قبل و بعد از آن وجود دارد. وصف قبل از کاف به اصطلاح خاص تقسیم بندی چهارگانه حدیث به صحیح، موثق، حسن و ضعیف اشاره دارد.

مبنای این اصطلاح خاص، عبارات صریحه یا ظاهره ائمه رجال است. وصف بعد از کاف به خاطر ثبوت وثاقت به امارات دیگر غیر از کلام ائمه رجال است. در برخی از راویان این اوصاف در حق آن ها وجود دارد؛ اما نه به استناد عباراتی که در مقام توثیق و مدح به کار رفته، بلکه به واسطه قرائنی خارج از نگاشته های رجالی، این اوصاف گردآوری شده است. دسته دوم نیز بر دو گونه است؛ اماراتی که وثاقت راوی را اثبات می کند و اماراتی که پذیرش روایات راوی را به دنبال دارد؛ به همین جهت، گاهی به اعتبار امارات دیگر، وصف یک روایت تغییر می کند.

علامه مجلسی با استناد به تعبیر «کتابه معتمد» به این نتیجه رسیده است که گروهی از فقها به روایات طلحه بن زید عمل کرده اند؛ از این رو، روایات وی در حکم روایات موثق به شمار می آید.^۳ مهم ترین قرینه ای که در تحلیل مجلسی نقش آفرین است، جایگاه «اصحاب اجماع» در ارزیابی روایات می باشد.^۴

۱. مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۴، صص ۱۳ و ۱۹؛ ج ۱۰، ص ۴۰۱.

۲. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، درس خارج فقه کتاب الزکاة ۱۴۰۱/۰۹/۰۶؛ مجلسی، مرآة العقول؛ ج ۱، صص ۱۳۳، ۱۳۴، ج ۲، ص ۴۴۳، ج ۸، ص ۲۷۳.

۳. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۴، ص ۳۷.

۴. همان؛ ج ۱، ص ۱۳۴.

وی بر این اساس و به دلیل وقوع عبدالله بن مغیره (که از اصحاب اجماع به شمار می‌رود) در سلسله سند، مطابق مبنای دوم و سوم، روایات طلحه بن زید را «کالموثق» تلقی کرده و نقل عبدالله بن مغیره را موجب اعتبار آن‌ها دانسته است؛ با این حال، چون طلحه بن زید عامی مذهب بوده، مجلسی روایات او را در قالب «موثق» ارزیابی می‌کند. بر این پایه یا ضعف طلحه بن زید به واسطه نقل عبدالله بن مغیره جبران می‌شود و روایت اعتبار می‌یابد یا به واسطه همین نقل، وثاقت طلحه بن زید تثبیت می‌گردد.

۱۱.۲.۴. قرار گرفتن در شمار مشایخ صفوان بن یحیی بجلی

یکی از اساتید صفوان، طلحه بن زید است. برخی تمامی اساتید صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق)، را ثقه می‌دانند.^۱ مستند این قاعده سخن شیخ طوسی است که می‌نویسد: «طائفه میان روایات مرسل محمد بن ابی عمیر (م ۲۱۷ ق)، و صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی (م ۲۲۱ ق) و امثال ایشان، از راویان ثقه که جز از افراد موثق به و مورد اعتماد روایت نمی‌کنند و مرسل نمی‌آوردند و میان روایات مسند دیگران تفاوتی قائل نیستند و از این رو، به مراسیل آن‌ها همانند مسانیدشان عمل کرده‌اند.»^۲

از این عبارت شهادت به دو مطلب برداشت می‌شود:

یک. امامیه روایات مرسل آن‌ها را همانند مسند دیگران قابل عمل و معتبر می‌دانند؛ چه این که اینان جز از فرد ثقه روایت مرسل نمی‌آورند.

دو. معروف است که تمامی مشایخ روایی آن‌ها افراد ثقه و مورد اعتماد هستند.

شهادت شیخ طوسی درباره مشایخ ثلاث، شهادتی حدسی نیست؛ زیرا وی از

۱. مامقانی، مقباس الهدایه، ج ۲، ص ۲۶۵؛ حائری، منتهی المقال، ج ۱، ص ۸۹؛ نوری، خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۱؛ سیستانی، قاعدة لا ضرر ولا ضرار، ص ۱۹؛ صدر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، ج ۳، ص ۴۱۸؛ خامنه‌ای، غناء و موسیقی، ص ۵۸، ۵۹، ۱۱۰؛ شبیری زنجانی، کتاب نکاح، ج ۲۵، ص ۷۷۹۰.

۲. شیخ طوسی، العده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

«عمل اصحاب» گزارش می‌دهد و این نوع گزارش، شهادتی حسی به شمار می‌آید. بر این اساس، سخن شیخ در کتاب اصولی خود دلالت بر وثاقت مروی عنهم این سه نفر و اعتبار مراسیل آنان دارد.

در مقابل، آیت الله خویی به دلیل آنچه موارد نقض فراوان می‌داند،^۱ این توثیق عام و اعتبار مراسیل مشایخ ثلاث^۲ را نپذیرفته است؛^۳ با این حال، به نظر می‌رسد استناد به این موارد نقض، خدشه جدی وارد نمی‌کند؛ زیرا افزون بر آن که شمار این افراد در مقایسه با مجموع مشایخ اندک است، ممکن است کسانی که از نگاه شیخ طوسی و برخی رجالیان ضعیف شمرده شده‌اند (مانند وهب بن وهب)، از دیدگاه ابن ابی عمیر ثقه محسوب شده باشند. با این وجود، در فرض تعارض میان قدح رجالیان و توثیق عام مشایخ ثلاث، ترجیح با قول رجالیان خواهد بود.

۵. نتیجه گیری

بر اساس گزارش شیخ طوسی و کشی، طلحه بن زید یکی از محدثین بتری سده دوم هجری قمری می‌باشد که نقش مهمی در انتقال میراث روایی امامیه داشته است؛ با توجه به مضامین روایات طلحه بن زید، بی‌اعتنایی و قدح عامه و زیدیه نسبت شخصیت و روایات او، این گزارش محلّ تأمل می‌باشد.

در میان کتب رجالی امامیه، جز عبارت (کتابه معتمد) توثیق صریحی برای او وجود ندارد؛ به همین جهت برای تصحیح روایات او باید از راه توثیقات ضمنی یا توثیقات عامه بهره جست که با بررسی‌های انجام شده مجموعاً دوازده روش برای احراز وثاقت وی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: کثرت روایت أجلاء، عدم استثنا از نوادر الحکمه و قرارگرفتن در شمار مشایخ اصحاب اجماع است.

این سه راه فارغ از اختلافات، خود دلیل بر وثاقت این راوی شمرده می‌شوند که

۱. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۶۴.

۲. همو، المستند فی شرح العروة الوثقی، ج ۱۲، ص ۳۶۲ و ج ۲۵، ص ۴۰.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۱۷۲؛ همو، شرح المناسک الحج، ج ۲۸، ص ۳۳۳.

چنانچه به راه‌های دیگر ضمیمه شود، می‌تواند برای انسان اطمینان به وثاقت این راوی ایجاد نماید؛ همچنین یکی از نکات مهم در زندگی طلحه بن زید، ساخت طبقه وی می‌باشد. شناخت نادرست سن حدیثی طلحه بن زید از ناحیه متقدمین و برخی از نویسندگان معاصر سبب شده، داده‌های نادرستی درباره او، گزارش شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱. ابطحی فروشانی، علیرضا و محمد بیگی، گیتی و چلونگر، محمد علی، «محمد بن سنان و نقش او در انتقال حدیث زیدیه به امامیه»، تاریخ ایران اسلامی، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۲. ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، کتاب الجرح والتعديل، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، بی تا.
۳. ابن ابی دنیا، عبدالله بن محمد، کتاب الصّمت وحفظ اللسان، تحقیق الجوينی، دارالکتاب العربی، بی تا.
۴. _____، کتاب الهمّ والحزن، تحقیق السید ابراهیم مجدی فتحی، قاهرة: دارالسلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة، ۱۴۱۲ ق.
۵. _____، مکارم الاخلاق، تحقیق السید ابراهیم مجدی فتحی، قاهرة: مكتبة القرآن للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
۶. ابنا بسطام، عبدالله و حسین بن بسطام بن شاپور، طب الأئمة عليهم السلام، تحقیق محمد مهدی خُرسان، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۱۱ ق.
۷. ابن حبان البستی، محمد بن حبان، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، تصحیح: محمود ابراهیم زاید، حلب: دارالسوعی، ۱۴۰۲ ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، هند: مطبعة دائرة المعارف النظامية، ۱۳۲۶ ق.
۹. ابن داوود حلی، حسن بن علی بن داود، کتاب الرجال، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
۱۰. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ ش.
۱۱. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۸ ق.

۱۲. استرآبادی، محمد بن علی، منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال، قم: آل البيت، ۱۴۲۲ ش.
۱۳. اعرجی کاظمی، محسن بن حسن، عدة الرجال، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. اکبری، عمید رضا و رحمان ستایش، محمد کاظم، «سندسازی های کتاب «طب الأئمة علیهم السلام» منسوب به فرزندان بسطام»، مطالعات فهم حدیث، شماره دوم شماره پیاپی ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۲ ش.
۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، کتاب التاریخ الكبير، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۶. _____، کتاب الضعفاء الصغیر، بیروت: دارالمعرفة، مصحح: زاید، محمود ابراهیم، ۱۴۰۶ ق.
۱۷. برقی، احمد بن محمد، الطبقات (رجال البرقی)، پدیدآور حسن بن علی حلّی، تهران: منشورات جامعه طهران، ۱۳۴۲ ش.
۱۸. _____، المحاسن، تحقیق: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۹. بروجردی، حسین، نهاية التقرير فی مباحث الصلاة، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۲۰ ق.
۲۰. بهبودی، محمدباقر، معرفة الحديث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشيعة الإمامية، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. تهرانی، محمد محسن، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲۲. حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشيعة إلى تحصیل مسائل الشريعة، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، ابراهیم بن هاشم (بازخوانی فرایند انتقال حدیث کوفه به قم، گمانه‌های وثاقت)، قم: رود آبی، ۱۴۰۱ ش.
۲۵. حکیم، سیدمحمد سعید، مصباح المنهاج (کتاب التجارة)، نجف: مؤسسة الحکمة للثقافية الإسلامية، ۱۴۲۸ ق.
۲۶. خامنه‌ای، سیدعلی، درسنامه غناء و موسیقی، تهران: فقه روز، چاپ هفتم، ۱۴۰۱ ش.
۲۷. خویی، سیدابوالقاسم، شرح المناسک الحج (المعتمد فی شرح المناسک)، مقرّر محمّدرضا خلخالی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۶ ق.
۲۸. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بی‌جا، چاپ پنجم: ۱۴۱۳ ق.
۲۹. _____، المستند فی شرح العروة الوثقی، مقرّر شیخ مرتضی بروجردی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ ق.
۳۰. داوری، مسلم، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، مقرّر محمّد علی صالح المعلم، قم: دارالزین العابدین، الطبعة الثانية: ۱۴۳۸ ق.
۳۱. ذهبی، شمس الدین محمّد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، تحقیق بشار عوّاد معروف، دارالمغرب الإسلامی، ۲۰۰۳ ق.
۳۲. _____، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمّد بجاوی، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر، ۱۹۶۳ م.
۳۳. سید ابن طاوس، علی، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ ق.
۳۴. سیستانی، سیدعلی، قاعدة لاضرر و لا ضرار، قم: مكتبة آية الله العظمی السيد السيستاني، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. سیستانی، سیدمحمّدرضا، قبسات من علم الرجال، جمعها و نظمها سیدمحمّد بکاء، قم: دارالکتاب الحکیم، ۱۴۴۳ ق.

۳۶. شبوط، ابراهیم، دراسات فی مشیخة الفقیه، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷ ق.
۳۷. شبیری زنجانی، سید محمد جواد، ارتباط رجال شیخ طوسی و رجال برقی، چاپ شده در مجموعه آثار سومین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. _____، استناد در روش شناخت رجال اسناد، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ش.
۳۹. _____، درس خارج فقه کتاب الزکاة، ۶ آذر ۱۴۰۱ ش، مدرسه فقاہت، رهیاب: www.eshia.ir (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷).
۴۰. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم: مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام، بی تا.
۴۱. شجری، یحیی بن حسین، الأمالی الکبری (الخمیسية)، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ ق.
۴۲. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، تعلیق اسماعیل بن محمد حسین خواجویی، تحقیق مهدی رجایی، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۳۸۷ ش.
۴۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۴۴. _____، من لایحضره الفقیه، قم: موسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۴۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. _____، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ ق.

۴۷. _____، الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۷۳ ش.
۴۸. _____، العده في اصول الفقه، تحقيق محمدرضا انصاري قمی، قم: تيزهوش، ۱۳۱۷ ق.
۴۹. _____، الفهرست (فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول)، تحقيق عبدالعزيز طباطبائي، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ ق.
۵۰. _____، تهذيب الأحكام، تحقيق حسن الموسوي الخرسان، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
۵۱. صدر، سيد محمد باقر، بحوث في شرح العروة الوثقى، قم: مجمع الشهيد آيت الله الصدر العلمي، ۱۴۰۸ ق.
۵۲. صوري، محمد بن علي، الفوائد المنتقاة و الغرائب الحسان عن الشيوخ الكوفيين، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، ۱۴۰۷ ق.
۵۳. طبري، عماد الدين أبي جعفر محمد بن أبي القاسم، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى عليه السلام، نجف: المكتبة الحيدرية، چاپ دوم: ۱۳۸۳ ق.
۵۴. عاملی، حسن بن زين الدين، منتقى الجمان في الاحاديث الصحاح و الحسان، قم: موسسه النشر الاسلامي، ۱۳۶۲ ش.
۵۵. عاملی، حسن، اوضح المقال في علم الدراية و الرجال، بی جا، الحوزة العلمية معهد الامام رضا عليه السلام، بی تا.
۵۶. علامه حلی، حسين بن يوسف، منتهی المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ ق.
۵۷. علوی کوفی، محمد بن علي، الجامع الكافي في فقه الزيديه، تحقيق عبدالله بن حمود عزى، صعبه: موسسه المصطفی الثقافية، ۱۴۳۵ ق.
۵۸. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشى، تحقيق سيد هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.

۵۹. فرجامی، اعظم، زیدیّه و حدیث امامیّه، بی جا، دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۶۰. فیض کاشانی، محمّد محسن، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۶۱. قاسمی، عبدالله بن حسن، الجداول الصغری مختصر الطبقات الكبرى، صنعاء: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية، ۱۳۷۵ ق.
۶۲. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمّی، تحقیق طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۶۳. کاتبان، محمد باقر، «کتاب من لا یحضره الفقیه، کتابی چند ویرایشی»، ۲۲ آبان ۱۳۹۹ ش، رهیاب: www.kateban.com (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷).
۶۴. کلینی، محمّد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۴۰۷ ق.
۶۵. گراف دانش علوم حدیث ثقات، موسسه نجم، www.thiqat.org (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷).
۶۶. لطفی پور، محمّد و حسینی شیرازی، سیدعلیرضا، «راه کارهای نوین در شناخت طبقه راویان»، تحقیقات علوم و قرآن و حدیث، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳ ش.
۶۷. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال (ط-الحدیثه)، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۳۱ ق.
۶۸. _____، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۱ ق.
۶۹. مجلسی، محمّد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
۷۰. مجلسی، محمّد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط-القدیمة)، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
۷۱. مددی، سیداحمد، نگاهی به دریا، قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۳ ش.

۷۲. مزّی، جمال الدّین یوسف، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، تحقیق بشیر عواد معروف، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۰ ق.
۷۳. میرداماد، محمّد باقر، الرواشح السماویّه، تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها و نعمة الله الجلیلی، قم: دارالحديث، ۱۳۸۰ ش.
۷۴. نجاشی، احمد بن علی، فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی)، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۴۲ ق.
۷۵. نرم‌افزار آنالین درایه النور، نسخه دوم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم، ۱۳۹۸ ش، به آدرس: abrenoar.com.
۷۶. نسائی، احمد بن علی، کتاب الضعفاء و المتروکین، تصحیح بوران ضناوی و کمال یوسف حوت، بیروت: موسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۰۷ ق.
۷۷. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحديث، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۹۴ ش.
۷۸. نوری، حسین، خاتمه مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
۷۹. وحید بهبهانی، محمّد باقر، الفوائد الرجالیه (چاپ شده به همراه رجال خاقانی)، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.